

کشف نمایندگان جدید بورژوازی کرد !!

صالح سرداری

صالح مازوجی از رهبران کومه له مطلبی در نشریه جهان امروز بنام "جدال و کشمکش درون حاکمیت و سرنوشت جنبش اصلاحات" منتشر کرده است. از آنجا که این یک تحلیل تازه از صف بندی احزاب و جریانات سیاسی در کردستان را نشان می دهد، برای اطلاع خوانندگان ضمن آوردن این نقل قول، به چند نکته در این مورد می پردازم. صالح مازوجی می نویسد.

"بورژوازی کرد امروز در هیات نمایندگان سیاسی جدیدتر خود نظیر اعضای فراکسیون شورای اسلامی گردانندگان انستیتوی کردهای مقیم تهران، مراکز فرهنگی و هنری دست پخت رژیم و افراد بومی که برای اشغال پست های اجرایی وعده داده شده صف بسته اند همگی در تلاشند تا سهم مناسب خود را در قدرت بدست بیاورند و..."

نباید نیازی به ثابت کردن باشد که اعضای فراکسیون "نمایندگان" کرد، در مجلس اسلامی و گردانندگان انستیتوی کرد تهران مامورین و مهره های شناخته شده رژیم جمهوری اسلامی در کردستان هستند که به حق مورد تنفر مردم آزادیخواه کردستان می باشند.

نوشتن نامه های سرکشاده "انتقادی" این "نمایندگان" به خاتمی و دفاع شان، از سنی گری و پروژه ارتجاعی "فرهنگی" در شرایط سیاسی کنونی، که بندهای رژیم شل شده و تعداد زیادی از مسئولین و مامورین رژیم می خواهند نشان دهند که از وضع موجود ناراضی اند، در این چهارچوب قابل توضیح است. بساط اینها با سرنگون شدن رژیم در هم پیچیده می شود. قطعا بورژوازی کرد واحزاب ارتجاعی در کردستان اینها را در خدمت اهداف ارتجاعی خود بکار می گیرند، اما معرفی کردن چنین مهره هایی بنام نمایندگان سیاسی جدیدتر بورژوازی کرد، در بهترین حالت توهم پراکنی و خاک پاشاندن در چشم کارگران و زحمتکشان کردستان است. این تحلیل، نماینده و طرف اصلی سیاسی و

حزبی بورژوازی کرد را از زیر ضرب مبارزه سیاسی جنبش آزادیخواهانه کارگران و زحمتکشان خارج می کند.

با این تحلیل صلاح مازوجی برای هر کس که اندک آشنایی به احزاب و جریانات موجود در کردستان داشته باشد، این سوال پیش می آید اگر فراکسیون "نمایندگان" کرد در مجلس و گردانندگان انستیتوی کرد تهران،... نمایندگان سیاسی جدیدتر بورژوازی کرد هستند، پس نماینده سیاسی قدیمی تر بورژوازی کرد کدام حزب بوده است؟

اگر مطابق تحلیل های قدیمی کومه له، حزب دمکرات این نمایندگی را داشته است، تحلیل کنونی کومه له از جایگاه و ماهیت امروز این حزب چیست؟ آیا از نظر کومه له حزب دمکرات کردستان ماهیت و سیاست و برنامه هایش تغییر کرده است؟ در این صف بندی احزاب و نمایندگان سیاسی جامعه کردستان، حزب دمکرات کردستان در کجا قرار دارد؟ چرا در این تحلیل، حزب دمکرات، در حالیکه خودش به نسبت سابق ادعاهایش بیشتر شده، آب رفته است؟ و اینها در حالیکه این حزب بطور واقعی نماینده جنبش ناسیونالیستی در کردستان ایران می باشد.

اگر رهبران حزب کمونیست ایران می خواهند تحلیل درست و همه جانبه ای از اوضاع سیاسی و صف بندی مبارزاتی و احزاب موجود در کردستان را به مردم کردستان ارائه دهند و میخواهند مردم ارزیابی درستی از وضعیت داشته باشند، تا بر مبنای آن بتوانند مبارزه شان را به نحوی مطلوب به پیش برند و در این رابطه همیشه به دیگران تذکر "واقع بین" بودن را داده اند، چرا خود از نشان دادن این واقع بینی عاجز می باشند؟

کسی از آنها قبول نمی کند در مورد حزب دمکرات کردستان مثبت یا منفی سکوت اختیار کنند و آنها را نادیده بگیرند. جریانی جدی که طرفدار دخالت مردم در آینده مبارزه سیاسی در جامعه کردستان می باشد، باید جایگاه احزاب و جریانات سیاسی آنطور که هستند، نشان دهد و مناسبات خود با آنها را برای مردم توضیح دهد تا مردم بر مبنای آن دخالت و قضاوت کنند.

اما اکنون بیش از یک دهه است که کومه له غیر از صادر کردن اطلاعیه هایی در باره دیدارها و ملاقات هایشان با رهبری حزب دمکرات در مورد ماهیت سیاسی و طبقاتی این حزب و نقش و جایگاهش در جنبش مردم کردستان سکوت کرده است. (البته یک مورد پیامی تبریک برای یکی از کنگره های حزب دمکرات فرستاده و سال گذشته در سالگرد اعلام موجودیت کومه له ضمن دعوت رسمی از حزب دمکرات به این مناسبت میکروفون را در اختیار نماینده این حزب قرار داد تا در باره این روز سخنرانی کند).

ممکن است رهبران کنونی کومه له در توجیه این سیاست سکوت، در باره حزب دمکرات، دو دلیل داشته باشند. یکی جلوگیری از تشنج و درگیری در میان احزاب، و دیگری در رابطه با تناسب قوای میان خود با سازمان زحمتکشانشان و...

تا آنجا که به فراهم کردن فضای تشنج زادی در جامعه کردستان مربوط می شود، باید تمام تلاش را بکار گرفت تا فضای سیاسی برای فعالیت آزادانه احزاب و جریانات و نهادها و تشکل ها و افراد و... فراهم شود کاری که کومه له علیرغم قلدری ها و زورگویی های حزب دمکرات از سال ۵۹ تا شروع تحمیل درگیری ها در سال ۶۲ انجام می داد. اما با توجه به تجارب تا کنونی، حزب دمکرات نشان داده است که حاضر به تحمل آزادی فعالیت سیاسی احزاب نبوده و نیست. این حزب به هر سازمانی که ضعیف تر بود، حمله کرد و اعضای آنها را کشت در چند نوبت علیه پیشمرگان کومه له نیز به توطئه متوسل شد و هر بار چند نفر را به قتل رساند. و دست آخر جنگی چند ساله را به کومه له تحمیل کرد.

تجربه بیش از دو دهه فعالیت علنی حزب دمکرات و برخورد به مخالفین سیاسی اش ثابت کرده است که راه جلوگیری از تشنج و درگیری با حزب دمکرات امتیاز دادن و به این حزب نیست. سکوت و امتیاز دادن کومه له به حزب دمکرات به این امید که باند زحمتکشانش را به عنوان کومه له به رسمیت شناسد، خیلی سریع معلوم شد که توهمی بیش نبوده است. در طی دو سال

گذشته حزب دمکرات با این باند به عنوان کومه له مناسبات برقرار کرده است. این حزب علی‌رغم اینکه می‌دانست اینها اقلیتی کوچک بودند که از کومه له انشعاب کردند و کومه له طی قطعنامه ای استفاده این دارودسته از نام کومه له را غیر مشروع دانسته، کوچکترین تردیدی در حزب دمکرات در برخورد به این جماعت بوجود نیاورده است. آیا اگر رهبران کومه له، حزب دمکرات را به این خاطر مورد نقد قرار می‌دادند و آن را تحت فشار قرار می‌داد راه موثرتری نبود؟

اما چرا هنوز به سکوت معنی‌دارشان در مورد حزب دمکرات مثبت یا منفی ادامه می‌دهند، سوالی است که بالای سر رهبران کومه له وجود دارد و نمی‌توانند با سکوت دائمی از کنار آن بگذرند.

۲۱ اکتبر ۲۰۰۲